

**خلاصه‌ای از زندگی و فعالیت‌های
آیت الله محمد علی تسخیری
دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی**

خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران

دهلی نو

باسمه تعالی

محمدعلی تسخیری فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج
شیخ علی اکبر، متولد ۱۳۲۳ هجری شمسی مطابق با ۱۳۶۴ قمری در
نجف اشرف. پدرش اهل رامسر تنکابن، یکی از شهرهای غرب استان
مازندران بود.

تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در نجف گذراند و دروس
حوزوی را تا مرحله درس خارج در محضر اساتید بزرگی نظیر آیات
عظام شهید سید محمد باقر صدر، خویی، سید محمد تقی حکیم، شیخ
جواد تبریزی، شیخ کاظم تبریزی، صدرا بادکوبی و شیخ مجتبی لنگرانی
سپری نمود و در کنار آن دروس دانشگاهی را نیز در رشته ادبیات عرب
و فقه و اصول در دانشکده فقه نجف فراگرفت.

وی همزمان با تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف به تدریس دروس
رایج حوزوی نیز اشتغال داشت.

ایشان در زمینه شعر و ادبیات عرب نیز از محضر اساتید بزرگی مانند
آیت الله شیخ محمدرضا مظفر، شیخ عبدالمهدی مطر و شیخ محمد امین

زین‌الدین بهره برد.

در آغاز جوانی با اشتیاق فراوان به شعر و ادبیات عرب، قصائد عربی سرود و سخنرانی‌های ادبی در مناسبت‌های مختلف و محافل گوناگون شعر و ادب ایراد نمود.

وی در مبارزات سیاسی علیه رژیم بعث عراق حضوری فعال داشت و در این رابطه به زندان افتاد ولی به یاری خداوند متعال نجات یافت. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی به حوزه علمیه قم رفت و نزدیک به دوازده سال در درس اساتید بزرگی چون آیت الله گلپایگانی، آیت الله وحید خراسانی و آیت الله میرزا هاشم آملی شرکت نمود. در این مدت همچنین به تدریس علوم حوزوی و ادب عربی در حوزه و پاره‌ای مراکز علمی و دانشگاهی سراسر کشور پرداخت.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تمامی وقت خویش را صرف امور فرهنگی و تبلیغات اسلامی در داخل و خارج کشور نمود.

آیت الله تسخیری در این مدت در مناصب فرهنگی، تبلیغی و اجرائی
زیر ادای وظیفه نموده است:

- ۱- مشاور مقام معظم رهبری در امور فرهنگی جهان اسلام.
- ۲- عضو مجلس خبرگان رهبری به نمایندگی از استان گیلان (دوره سوم).
- ۳- معاون بین الملل دفتر مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۹.
- ۴- مشاور عالی امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری در امور حج و معاون بین الملل آن.
- ۵- رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از زمان تأسیس ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰.
- ۶- مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بین الملل.
- ۷- معاون بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی از ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰.
- ۸- عضو هیأت امنای سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۹- مسئول کمیته نظارت بر برنامه های آموزشی طلاب خارجی، در داخل و خارج کشور.
- ۱۰- دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) به مدت ۹ سال و

عضو شورای عالی آن.

۱۱- عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مدت ۱۸ سال.

۱۲- دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۱۳- عضو کمیته فقهی مجمع اهل بیت مستقر در حوزه علمیه قم.

۱۴- رئیس کمیته فرهنگی هشتمین کنفرانس سران اسلامی در تهران.

۱۵- رئیس کمیته هماهنگی فعالیت‌های مشترک اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی (به مدت ۵ سال)

۱۶- عضو افتخاری برخی مراکز علمی و دانشگاهی در کشورهای سوریه و سودان.

۱۷- عضو هیأت امنای دانشگاه بین‌المللی (المصطفی) - قم.

۱۸- عضو هیأت امنای سازمان دفاع از حقوق کودکان (کافل).

۱۹- عضو کمیته عالی امور فرهنگی مؤسسه امیرکبیر از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵.

۲۰- رئیس هیأت امنای دانشکده اصول دین - تهران - پس از رحلت علامه عسکری .

۲۱- رئیس هیأت امنای دانشگاه مذاهب اسلامی.

- ۲۲- نماینده جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از کنفرانس‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خارج از کشور.
- ۲۳- عضو مجمع فقه اسلامی جده از زمان تأسیس ۱۳۶۲ تاکنون و نماینده حوزه‌های علمیه ایران و نماینده رسمی مذهب شیعه اثنی عشری در آن.
- ۲۴- استاد دانشگاه امام صادق (ع) در رشته فقه مقارن.
- ۲۵- استاد دانشگاه تربیت مدرس در رشته اقتصاد اسلامی.
- ۲۶- اشراف بر مجله‌های التوحید، رساله الثقلین و رساله التقریب به عربی و نشریه‌های دیگر.
- ۲۷- عضو کمیته فقهی بانک جهانی توسعه اسلامی.
- ۲۸- عضو هیأت امنای سازمان فرهنگی اکو (سابقاً)
- ۲۹- عضو دائمی کمیته (بررسی چالش‌های قرن ۲۱) کارشناسان سازمان کنفرانس اسلامی.
- ۳۰- عضو مجمع زبان عربی دمشق.
- ۳۱- عضو مجلس شرعی هیأت حسابرسی مؤسسات مالی در بحرین
- ۳۲- عضو هیئت امناء مؤسسه اندیشه اسلامی «آل البيت» - اردن
- ۳۳- نائب رئیس اتحادیه جهانی علمای اسلام (قطر)

- ۳۴- عضو کمیته شخصیت‌های برجسته سازمان کنفرانس اسلامی
- ۳۵- نایب رئیس شورای مشورتی سازمان آیسیسکو
- ۳۶- عضو هیئت امناء مرکز آموزش عالی اهل بیت (ع)
- ۳۷- عضو هیئت مرکزی رابطه علماء مسلمین (مکه مکرمه)
- ۳۸- عضو شورای مرکزی روحانیت مبارز تهران
- ۳۹- عضو هیئت امناء مرکز تمدن‌ها و تنوع فرهنگی
- ۴۰- عضو هیئت امناء بنیاد بین‌المللی غدیر
- ۴۱- رئیس هیئت اعزامی به اجلاس‌های وزرای خارجه عمان (اجلاس هفدهم)، ریاض (اجلاس هجدهم)، قاهره (اجلاس نوزدهم).

فهرست اجمالی برخی از فعالیت‌های فرهنگی

۱- تألیف نزدیک به ۴۵۰ مقاله در موضوع‌های مختلف که بسیاری از آنها به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در مجلات گوناگون جهان منتشر شده است.

۲- تدریس در برخی از دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و حوزه‌های علمیه.

۳- حضور در بیش از ۶۵۰ برنامه رادیویی و تلویزیونی به زبان‌های فارسی و عربی.

۴- بیش از ۴۰۰ مجله و روزنامه در سراسر جهان به زبان‌های مختلف مقاله‌ها و مصاحبه‌های ایشان را چاپ کرده یا پیرامون شخصیت ایشان مطلب نوشته‌اند.

۵- سرودن بیش از ۳۰ قصیده به زبان عربی. این اشعار در دیوانی به نام "اوراق و اعماق" چاپ و منتشر شده است.

۶- ترجمه ۱۵ کتاب از فارسی به عربی.

۷- نوشتن حدود ۱۳ تقریر از درس‌های اساتید خود در فقه و اصول.

۸- مشارکت در تأسیس بسیاری از مؤسسات فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی.

۹- برگزاری سمینارهای قرآن در ماه مبارک رمضان در حاشیه نمایشگاه قرآن.

۱۰- شرکت یا برپائی صدها اجلاس بین‌المللی

الف - کنفرانس‌های بین‌المللی در داخل ایران

این کنفرانس‌ها شامل:

- ۱- برپائی ۹ اجلاس بین‌المللی (اندیشه اسلامی)
- ۲- برپائی ۲۱ اجلاس بین‌المللی (وحدت اسلامی)
- ۳- برپائی اجلاس‌هایی در موضوعات دیگر (مقاومت، حقوق زن و...)
- ۴- شرکت و سخنرانی در دهها اجلاس دیگر.

ب - اجلاس‌های خارج از کشور

این اجلاس‌ها از تعداد ۵۰۰ اجلاس گذشت و شامل:

- ۱- اجلاس‌های کنفرانس اندیشه اسلامی الجزائر (۴ اجلاس)
- ۲- کنفرانس‌های مجلس اعلای مصر (۴ دوره)
- ۳- کنفرانس‌های مجمع الفقه الاسلامی جدّه (۱۸ دوره به مدت ۲۵ سال) و اجلاس‌های فرعی آن در کشورهای گوناگون
- ۴- همایش‌های حج و تقریب (۱۷ دوره در ۱۷ سال)
- ۵- همایش‌های کارشناسان سازمان کنفرانس اسلامی (دهها اجلاس)
- ۶- کنفرانس‌های وحدت در کشورهای گوناگون (دهها اجلاس)
- ۷- اجلاس‌های سیاسی - سران، خارجه، کارشناسان سازمان کنفرانس اسلامی (دهها اجلاس)
- ۸- اجلاس‌های اقتصادی از قبیل: هیئتهای شرعی، مؤسسات مالی،

- موضوعات فقهی، بررسی بانک توسعه... (بیش از ۵۰ اجلاس)
- ۹- بزرگداشت‌های شخصیتها در کشورهای متفاوت (۱۵ اجلاس).
- ۱۰- همایشهای گفتگو بین ادیان (دهها اجلاس)
- ۱۱- همایشهای اتحادیه‌های جهان (دهها اجلاس)
- ۱۲- همایشهای احزاب و جمعیت‌های اسلامی
- ۱۳- همایشهای فقهی در موضوعات گوناگون (بیش از بیست اجلاس)
- ۱۴- اجلاسهای اقلیتهای اسلامی (بیش از ده اجلاس)
- ۱۵- اجلاسهای بزرگ ضمن دیدارهای زیاد از کشورهای متنوع قاره‌های آسیا، آمریکا، اروپا
- ۱۶- اجلاسهای دانشگاهها و اتحادیه‌های دانشگاهی
- ۱۷- اجلاسهای ملل متحد و یونسکو و ایسیسکو
و دیگر اجلاس‌های اجتماعی و فرهنگی بین‌المللی.
- لازم به ذکر است که در تمامی این اجلاس‌ها، مقالات علمی از سوی ایشان (و گاهی بیش از یک مقاله) ارائه شده که مورد بحث و مناقشه قرار گرفته است.

۱۱- تألیف یا ترجمه یا اشراف بر مطبوعات و انتشارات زیر:

* کتاب‌های تألیفی:

ردیف	اسم کتاب	زبان	ترجمه به	جلدها
۱	مع بعض المؤتمرات السياسية لوزراء الخارجية	عربی	-	۱
۲	الاقتصاد الاسلامی دروس فی المذهب و تأسیل للمسائل المستحدثة	عربی	فارسی	۲
۳	الاقليات الاسلامية وعلاقتها بمجتمعاتها	عربی	فارسی	۱
۴	رسالتنا تقرب الفكر وتوحيد العمل	عربی	فارسی	۱
۵	الحوار مع الذات والآخر	عربی	فارسی	۱
۶	حول الوحدة	عربی	فارسی	۱
۷	صلاة الجمعة فی الروایات المشتركة بین الشيعة والسنة	مشترک عربی	فارسی اردو	۱
۸	الحج فی الروایات المشتركة بین الشيعة والسنة	مشترک عربی	فارسی اردو	۳
۹	الصوم فی الروایات المشتركة بین الشيعة والسنة	مشترک عربی	فارسی اردو	۳
۱۰	حول الدستور الاسلامی الايراني	عربی	فارسی	۱

ردیف	اسم کتاب	زبان	ترجمه به	جلدها
۱۱	حول الصحوة الاسلامیة	عربی	فارسی	۱
۱۲	حقوق الانسان بين الاعلانين العالمی والاسلامی	عربی	فارسی انگلیسی	۱
۱۳	مع مؤتمرات مجمع الفقه الاسلامی ۱-۶	عربی	-	۶
۱۴	المؤتمر الدولي للسكان والتنمية	عربی	-	۱
۱۵	المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید	مشترک عربی	-	۳
۱۶	فی الطريق الی التوحید الالهی	عربی	-	۱
۱۷	بحث حول المهدي مقدمة كتاب مرحوم شهيد صدر	عربی	-	۱
۱۸	الدولة الاسلامیة .. دراسات فی وظائفها السیاسیة والاقتصادیة	عربی	-	۱
۱۹	حول كتاب الآيات الشیطانیة	عربی	-	۱
۲۰	المرجعیة العلمیة لأهل البيت	عربی	فارسی	۱
۲۱	ملتقیات الفكر الاسلامی فی الجزائر	عربی	-	۱
۲۲	من الظواهر العامة فی الاسلام	عربی	-	۱
۲۳	حول الشیعة والمرجعیة	عربی	-	۱
۲۴	لمحات من حياة بعض	عربی	-	۱

ردیف	اسم کتاب	زبان	ترجمه به	جلدها
	الشخصیات التقريبية			
۲۵	رأى الاسلام فى السلام المفروض	عربى	به چند زبان	۱
۲۶	من حياء اهل البيت(ع)	عربى	-	۱
۲۷	اوراق وأعماق «الشفق والوهاب» (ديوان شعر)	عربى	-	۱
۲۸	بوادر المدرسة التقريبية فى اصول الفقه	عربى	-	۱
۲۹	جزوه‌هاى متفرقه ديگر			

* کتاب‌هاى ترجمه شده توسط وى به زبان عربى:

۱- التكامل الاجتماعى للانسان - تكامل اجتماعى انسان - اثر استاد

شهيد مطهرى

۲- الدوافع نحو المادية - علل گرايش به ماديگرى - اثر استاد شهيد

مطهرى

۳- الهدف السامى للحياة الانسانية - هدف والاي زندگى بشرى - اثر

استاد شهيد مطهرى

۴- الانسان والقدر - انسان و قضا و قدر - اثر استاد شهيد مطهرى

۵- النبى الامى - پيامبر امى - اثر استاد شهيد مطهرى

- ۶- حول النظره الكونيه - اثر استاد شهيد مطهرى
- ۷- العوده الى الذات وبنائها من جديد - اثر استاد مصباح يزدى
- ۸- نحو حياة افضل - مؤسسه در راه حق
- ۹- دروس فى اصول الدين - درس‌هاى از اصول دين مؤسسه در راه حق

۱۰- حياه نبي الاسلام - مؤسسه در راه حق

۱۱- الفطره والله

۱۲- حول المثاليه والواقعيه

۱۳- خرافه ازليه الماده

۱۴- نشيد المقاومه الفلسطينيه

۱۵- النبع والسمكه (قصه طولانى براى كودكان)

* آثارى كه تحت نظر و اشراف تأليف شده است (با نگارش مقدمه و

مشاركت در مطالب):

ردیف	اسم كتاب	زبان	ترجمه به	تعداد
۱	الاحاديث القدسيه المشتركة بين السنه والشيعة	عربى	-	۱
۲	جامع البيان فى الاحاديث المشتركة حول القرآن	عربى	-	۰

رديف	اسم كتاب	زبان	ترجمه به	تعداد
٣	لباب النقول فى موافقات جامع الاصول ١-٤	عربى	-	٤
٤	الاحاديث الاخلاقية المشتركة ١-٣	عربى	-	٣
٥	الادعية المأثورة المشتركة	عربى	-	١
٦	الجهاد فى المأثور عن اهل السنة والامامية	عربى	-	١
٧	الاحاديث المشتركة حول عيسى (المسيح)ع	عربى	-	١
٨	الاحاديث المشتركة حول الامام المهدى(عج)	عربى با مقدمه	-	١
٩	الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فى الروايات المشتركة	عربى	-	١
١٠	الوحدة الاسلامية فى الاحاith المشتركة	عربى با مقدمه	-	١
١١	الامامان الحسن والحسين(ع) فى الاحاديث المشتركة	عربى	-	١
١٢	النصوص الاقتصادية من القرآن والسنة ومقارنتها بمصادر من الشيعة الامامية ١-٣	(با تعليقه مفصل) عربى	-	٣
١٣	موسى الكليم(ع) فى الاحاديث المشتركة	عربى با مقدمه	-	١
١٤	الصلاة فى الاحاديث المشتركة	عربى	-	١

ردیف	اسم کتاب	زبان	ترجمه به	تعداد
۱۵	المرأة فی الاحادیث المشتركة	عربی	-	۱
۱۶	القواعد الاصولیة والفقهیة	با مشارکت در تألیف - عربی	-	۳
۱۷	الامامة والولاية فی القرآن الکریم	عربی	-	۱
۱۸	التعددية المذهبية	عربی	-	۱

* نشریات و مجلات:

ردیف	نام مجله	زبان	ترجمه به	شمارگان
۱	مجله رساله التقرب	عربی	-	۳۷ شماره
۲	مجله ثقافة التقرب	عربی	-	۲۰ شماره
۳	مجله اندیشه تقرب	فارسی	-	۱۵ شماره
۴	مجله AL Taqrib	انگلیسی	-	۳ شماره
۵	مجله شعور اتحاد	اردو	-	۵ شماره
۶	مجله التوحید	عربی	-	۶۰ شماره
۷	مجله الهادی	عربی	-	۱۶ شماره
۸	مجله الثقلین	عربی	-	۴۵ شماره

۱۲- استاد راهنما یا مشاور ۳۴ رساله دانشجویی به شرح ذیل:

ردیف	نام	سال	دانشگاه	زبان	نوع رساله	دانشجو	شناسنا مه
۱	فقه النظرية عند الشهيد الصدر	۱۳۷۸	امام صادق (ع)	عربی	فوق لیسانس	باقر بری	لبنانی
۲	حركة الاجتهاد عند الامامية	۱۳۸۶	المصطفى	عربی	دکتر	فرحان تنها	عراقی
۳	النظام السياسي في ايران	۱۳۸۳	القائم (انگلستان)	عربی	فوق لیسانس	علی مؤمن	ایرانی
۴	امید در اسلام	۱۳۶۹	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	ناصر نیستانی	ایرانی

ردیف	نام	سال	دانشگاه	زبان	نوع رساله	دانشجو	شناسنامه
۵	الوقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن	۱۳۶۹	تربیت مدرس	فارسی	فوق لیسانس	مصطفی سلیمی فر	ایرانی
۶	سیاستهای مالی در اسلام	۷۰- ۱۳۷۱	تربیت مدرس	فارسی	فوق لیسانس	محمد رحیم اخوان	ایرانی
۷	خبر و انشا	۱۳۶۶	تربیت مدرس	فارسی	فوق لیسانس	محمد خاقانی	ایرانی
۸	قــدرتــهای اقتصادی حکومت اسلامی	۱۳۷۰	امام صادق(ع)	فارسی	فوق لیسانس	کاظم هاشمی	ایرانی
۹	بررسی مبانی عرضه و تقاضا و تاثیر آن بر توزیع کالا در اسلام		تربیت مدرس	فارسی	فوق لیسانس	ابوالقاسم اثنی عشری	ایرانی
۱۰	نقش احکام و ارزشهای اسلامی در تئوری تقاضا	۱۳۶۵	تربیت مدرس	فارسی	فوق لیسانس	حسینعلی دانش	ایرانی
۱۱	بهره	۱۳۷۰	امام صادق(ع)	فارسی	فوق لیسانس	محسن آشوری	ایرانی
۱۲	اهمیت قراءت عاصم	۱۳۶۹	امام صادق(ع)	فارسی	فوق لیسانس	احمد زرنگار	ایرانی
۱۳	مسائل اقتصادی دولت‌های اولیه اسلام	۱۳۶۶	تربیت مدرس	فارسی	فوق لیسانس	منصور زراع نژاد	ایرانی

ردیف	نام	سال	دانشگاه	زبان	نوع رساله	دانشجو	شناسنامه
۱۴	مرونت در اسلام	۱۳۶۹	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	میرمختار میر شفیعی	ایرانی
۱۵	الگوی مصرفی در جوامع اسلامی	۱۳۶۵	تربیت مدرس	فارسی	فوق لیسانس	محمد حسن مشرف جوادی	ایرانی
۱۶	جنگ روانی در قرآن و سنت	۱۳۶۹	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	محمد رضا ناجی	ایرانی
۱۷	رابطه زعامت دینی و حکومتی در وهابیت	۱۳۷۰	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	محمد جواد گوهری	ایرانی
۱۸	سیاست‌های تبلیغاتی معاویه	۱۳۶۹	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	علیرضا عسگری	ایرانی
۱۹	بررسی بانک بدون ربا	۱۳۶۳	شهید بهشتی	فارسی	فوق لیسانس	زهرا شهیدزاده	ایرانی
۲۰	تبلیغ در اسلام	۱۳۶۹	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	محسن خندان (الویری)	ایرانی
۲۱	تنظیم نسل در اسلام	۱۳۶۹	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	رضا میرغنی	ایرانی
۲۲	نقش فرهنگی سازمان	۱۳۷۷	دانشکده وزارت خارجه	فارسی	فوق لیسانس	محمد جواد شوشتری	ایرانی
۲۳	بُعد اجتماعی حج	۱۳۶۸	امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	محمد حسینی کشکونیه	ایرانی
۲۴	علل قرآنی انحطاط تمدنها		امام صادق (ع)	فارسی	فوق لیسانس	احمد قانع	ایرانی

ردیف	نام	سال	دانشگاه	زبان	نوع رساله	دانشجو	شناسنامه
۲۵	نقد و بررسی مبانی و موانع و راهکارهای تقریب با رویکرد قرآنی	۱۳۸۷	دانشکده علوم قرآن	فارسی	فوق لیسانس	فاطمه ناصر معدلی	ایرانی
۲۶	تعادل مدارا و قاطعیت در تعامل حکومت و مردم	۱۳۸۷	دانشکده علوم قرآن	فارسی	فوق لیسانس	نرگس قانع فرد	ایرانی
۲۷	بهره اسماعیلیه	۱۳۸۷	شورای مدیریت حوزه	فارسی	فوق لیسانس	میرآقائی	ایرانی
۲۸	مراحل نقش أئمه	۱۳۸۶	دانشگاه القائم	عربی	دکترا	نصیراوی	عراقی
۲۹	النظام السیاسی فی الاسلام	۱۳۸۶	دانشگاه القائم	عربی	دکترا	علی مؤمن	ایرانی
۳۰	مدارات در اسلام	۱۳۸۵	پژوهشگاه قم	فارسی	فوق لیسانس	حسینی	ایرانی
۳۱	صکوک مالی	۱۳۸۷	شهید مطهری	فارسی	فوق لیسانس	هدی تسخیری	ایرانی
۳۲	بهره‌ها در بستر تاریخ و اندیشه	۱۳۸۷	جامعه المصطفی	فارسی	فوق لیسانس	کمیل راجان	هندی
۳۳	مبانی سیاست مطلوب در قرآن کریم	۱۳۸۳	پژوهشگاه علوم انسانی	فارسی	دکترا	محمدصادق ق کوشکی	ایرانی
۳۴	جهانی شدن	۱۳۸۶	پژوهشگاه علوم انسانی	فارسی	دکترا	کامیار صداقت	ایرانی

۱۳- نشان‌های ویژه بین‌المللی:

۱- نشان سازمان کنفرانس اسلامی - به عنوان شخصیت برجسته جهان

اسلام

۲- نشان درجه یک استقلال اردن

۳- نشان عالی مسلمانان روسیه

۴- نشان سازمان بین‌المللی آیسیسکو - تقدیر از شخصیت فرهنگی سال

انسجام و وحدت اسلامی

الف: دریافت نشان‌های اهدایی از مراکز علمی - فرهنگی بین‌المللی که

برخی از آنها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- دانشگاه بین‌المللی کوالالامپور - مالزی

۲- آکادمی روشنفکران عرب - لبنان

۳- آکادمی مطالعات عالی کشور - لیبی

۴- انستیتوی اسلامی صدیقیه - اندونزی

۵- دانشگاه بین‌المللی اسلامی - پاکستان

۶- دانشگاه موته از کشور اردن

۷- مجلس ملی فرهنگ و هنر - کویت

۸- دانشگاه مسقط - عمان

۹- دانشگاه الحکمه - لبنان

۱۰- دانشگاه قطر

۱۱- دانشگاه اسلامی جو - جاکارتای اندونزی

۱۲- آکادمی حضرت زهرا(س) - کراچی - پاکستان

۱۳- مؤسسه اسلامی کرانادای اسپانیا

ب: نشان‌های دریافتی از داخل کشور:

۱- ایشان در مراسم کتاب سال ۱۳۸۶ از سوی رئیس جمهوری اسلامی

ایران به عنوان شخصیت فرهنگی کشور برگزیده و معرفی شدند.

۲- تقدیر از شخصیت قرآنی ایشان در سال ۱۳۸۷ از سوی شهرداری

تهران.

۳- انتخاب وی بعنوان شخصیت فرزانه و فرهیخته از سوی مراکز

فرهنگی استان مازندران.

* کتاب‌های فارسی زبان:

۱- اقتصاد اسلامی

۲- اقلیت‌های مسلمان مشکلات و راه‌کارها

۳- درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

۴- ایده‌های گفتگو با دیگران

- ۵- در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۶- وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام
- ۷- نظام جزایی اسلام
- ۸- نظام عبادت در اسلام
- ۹- رسالت ما تقریب در اندیشه‌ها ، انسجام در عمل

**گامهای مطلوب
برای تحقق امنیت اجتماعی
در جهان اسلام**

آیت الله محمدعلی تسخیری
دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

کسانی که اسلام را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند بخوبی می‌دانند که این آیین هدف از آفرینش همهٔ آفریده‌ها را مشخص کرده که همانا کمال یابی یعنی تبدیل توان نهفته و بالقوهٔ داخلی آنها به پدیده‌های بالفعل است و این چیزی است که وجدان فطری آدمی هم با توجه به برنامه‌ریزی‌های الهی در مورد جهان هستی و هدفمندی و هماهنگی موجود در آفرینش، آن را درک می‌کند.

قرآن کریم با اعلام: ﴿و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون﴾ و پریان و آدمیان را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند^(۱)؛ هدف از آفرینش آدمی را با روشنی بیشتری بیان می‌کند که نشان می‌دهد تکامل انسان متناسب با ریشه گرفتن ویژگی بندگی و پرستش خدا از سوی وی به عنوان فرد است و اوج کمال آدمی نیز در شخص پیامبر اکرم (ص) تجلی می‌یابد و والاترین صفتی که به پیامبر داده می‌شود نیز بهترین بنده (نعم العبد) است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿و وهبنا لداوود سليمان نعم العبد انه اواب﴾ و ما به داود، سلیمان را بخشیدیم، نیکو بنده بود که اهل بازگشت (و توبه) بود^(۲).

وقتی انسان مؤمن رسالت رسول خدا و سرور جهانیان را شهادت می‌دهد، بندگی و عبودیت او را پیش از رسالتش بیان می‌کند: «اشهد أن محمدا عبده و رسوله». این امر بر مجموعهٔ انسانها به عنوان جامعه نیز

۱ - ذاریات / ۵۶.

۲ - ص / ۳۰.

انعکاس می‌یابد و بندگان صالح خدا و پیشاپیش ایشان پیامبران در جهت ایجاد جامعهٔ عابد، می‌کوشند.

﴿ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت﴾

و به راستی ما در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم (تا بگوید) که خداوند را پرستید و از طاغوت دوری گزینید...^(۳).

بدین ترتیب روند حرکت درست، متعادل و همه‌جانبه بشریت در دو خط "عبادت و بندگی" و "اجتناب از طاغوت"، جریان می‌یابد که نتیجه و حاصل عمدهٔ آن حالت پرستش مطلق خداوند متعال است.

در اینجا با توضیح و تفصیل بیشتری نسبت به عبودیت و بندگی مواجهیم که در عبادت (پرستش) و نفی طاغوت تجلی می‌یابد.

این دو مفهوم به چه معناست؟

"عبادت" در مفهوم اسلامی بطور خیلی فشرده به معنای وقف زندگی برای خداوند متعال و اجرای فرمانهای اوست.

﴿یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم﴾

ای مؤمنان! ندای خداوند و پیامبر را هرگاه شما را به چیزی فرا خوانند که به شما زندگی می‌بخشد، اجابت کنید...^(۴).

این معنا شامل عبادت به معنای "اخص" از جمله نماز و روزه هم

۳ - نحل / ۳۶.

۴ - انفال / ۲۴.

می‌شود؛ زندگی در آن خلاصه نمی‌شود بلکه زندگی خود به تمامی تبدیل به مسجد و نماز می‌گردد که معنای اعم عبادت نیز همین است.

و "طاغوت" نیز به طور خلاصه و در تصور اسلامی، متجاوز از حدّ میانه و متعدی بر این حدّ است؛ طغیان همچنانکه در "مفردات راغب اصفهانی" آمده است^(۵)؛ تجاوز از حدّ است لذاست که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾

ما آنگاه که آب، سربرکشید، شما را در کشتی [نوح] سوار کردیم^(۶).

میانه‌گرایی اسلامی به معنای عدالت، توازن، حکمت و قرار دادن هر چیز در جای خود و تحقق هدف از آن چیز است؛ در اینجا، معیار کمی مطرح نیست؛ اگر امت اسلامی را امت وسط (میانه) می‌خوانند:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم...^(۷)

از اینروست که "امت اسلامی" امت الگو و نمادی تمدنی برای سایر امت‌ها به دلیل اقتدا به اسوه‌هایی چون پیامبر(ص) است.

اگر نگاهی به تمامی مفاهیمی که اسلام از آنها فاصله می‌گیرد بیندازیم، می‌بینیم که جملگی به این معنا، از حدّ میانه خارج هستند؛ مفاهیمی چون:

۵ - "مفردات راغب"، صفحه ۳۰۵.

۶ - حافه / ۱۱.

۷ - بقره / ۱۴۳.

"الحاد"، "شرک"، "فحشاء"، "بی پروایی"، "سخت گیری"، "استبداد"، "خشونت"، "سرکشی"، "اسراف و تبذیر"، "کم فروشی"، "حق کشی" و امثال آنها و حتی مفاهیم منفی ای چون: "رهبانیت"، "تنگ نظری"، "بزدلی"، "مسئولیت ناپذیری"، "وادادگی" و ... همه و همه از انواع عدم پای بندی به حدود شرعی و افراط و تفریط در این امر است.

معیار و ملاک، حد انسانی ای است که خداوند متعال آن را در نظر گرفته و چه بسا ما خودمان نیز به دلیل روشنی و وضوح پاکی ها، پلشتی ها، زیبایی ها و زشتی ها، آنها را با وجدان خود درک می کنیم ولی دیدگاه الهی چشم انداز کاملی از حد میانه یا به عبارت دیگر حدّ طبیعی - که خروج از آن به مفهوم خروج از خویشتن و به فراموشی سپردن خویش است - به ما می دهد. این تعبیر زیبای الهی نیز برخاسته از همین نکته است:

﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

خداوند را فراموش کردند پس خداوند نیز آنان را از یاد خودشان برد، آنانند که نافرمانند^(۸)

درست همانگونه که هسته گیاه از جایگاه طبیعی خود بیرون می شود و عرب آنرا هسته فاسق (نافرمان) می خواند.

امنیت بشری همواره و در طول تاریخ از سوی طاغوت ها و فاسقان مورد تهدید قرار داشته است زیرا اگر نگاهی به جوی های خون، اشک و تجاوز به نسل، کشت، اندیشه و انسانیت، بیندازیم، به سادگی تمام می توان

^۸ - حشر / ۱۹.

همه این تجاوزها را - به تعبیر شهید صدر (قدس سره) - به این دو نمود شاخص یعنی مسئله بیگانگی و ناوابستگی [به یک مبدأ]، افراط در وابستگی و تبدیل حقایق نسبی به حقایق مطلق ارجاع داد؛ بیان اسلامی این دو مسئله، "الحاد" و "شرک" است که در یک نقطه اساسی وجه مشترک دارند: «فلج ساختن حرکت خلاق و تکاملی انسان»^۹! درمان این مشکلات نیز با ایمان به خدای یگانه و مسؤولیت پذیری در قبال اوست.

بی‌ایمانی [به خدا] یا بت پرستی، دو روی سکه طغیان به‌شمار می‌روند که می‌توان آنها را علت اصلی طغیان نیز دانست که در صورت ناوابستگی [به یک اصل] یا اصولاً مسؤولیتی مطرح نمی‌شود یا تصویر بت‌گونه خویش، سنگ، حاکم، افسانه، پست و مقام، مال و قدرت یا شهوت - که جملگی اموری نسبی هستند و جهل و نادانی از آنها امور مطلق می‌سازد - بزرگ و بزرگتر می‌شود و تباهی بدنبال می‌آورد و تهدید بزرگی برای انواع مختلف امنیت انسانی مطرح می‌کند.

می‌توان انواع فراوانی از امنیت انسانی را در نظر گرفت: امنیت فکری، اجتماعی، اخلاقی، انسانی، خانوادگی، بهداشتی، زیست محیطی، سیاسی، اقتصادی و غیره.

طغیان و تجاوز از حدّ و تفریط و افراط‌گرایی، همه انواع امنیت را تهدید می‌کند.

در متون قرآنی، "فرعون" سمبل و نمونه این طغیان و سرکشی به‌شمار

۹ - "الفتاوی الواضحة"، صفحه ۵۹۵.

می‌رود :

﴿اذهبا الی فرعون انه طغی﴾.

به سوی فرعون بروید که او سرکشی کرده است^(۱۰).

﴿وان فرعون لعال فی الأرض وانه لمن المسرین﴾.

... و بی‌گمان فرعون در زمین (مصر) بلندپروازی کرد و او به راستی از گزافکاران بود.

حتی ایمان نیز مستلزم اجازه او بود^(۱۱) :

﴿قال فرعون آمتمم به قبل ان آذن لکم﴾.

فرعون گفت : آیا پیش از آنکه من به شما اجازه دهم، به او ایمان آورده‌اید؟^(۱۲)

فرعون سمبل تهدید ملت‌ها، نسل‌ها و آفریده‌ها بود ؛ خداوند متعال می‌فرماید :

﴿ان فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعا یتضعف طائفه منهم یدبح ابناءهم ویستحیی نساءهم انه کان من المفسدین﴾.

بی‌گمان فرعون در زمین (مصر) گردنکشی ورزید و مردم آنجا را دسته دسته کرد. دسته‌ای از آنان را به ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و

۱۰ - طه / ۴۳.

۱۱ - یونس / ۸۳.

۱۲ - اعراف / ۱۲۳.

زنانشان را زنده وامی‌نهاد، به یقین او از تبهکاران بود. (۱۳).

او ستمیل تحقیر مردم بود :

﴿فاستخف قومه فاطعوه انهم كانوا قوما فاسقین﴾

آنگاه قوم خود را سبکسار یافت و از راه به در برد و آنان از او فرمان بردند زیرا آنان قومی بزهکار بودند. (۱۴).

پس از این سخنان و با توجه به نفی همه جانبه شیوه‌های طاغوتی و فرعون‌ی از سوی قرآن به نظر می‌رسد که سخن گفتن از نقش اسلام در تحقق انواع مختلف امنیت انسان، امر کاملا روشنی است؛ اسلام با توجه به آیین اخلاقی - تربیتی خود، در جهت فراهم آوردن امنیت اخلاقی می‌کوشد:

﴿هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یتزکیهم﴾

اوست که در میان نانوینندگان(عرب) پیامبری از خود آنان برانگیخت که برایشان آیاتش را بخواند و آنها را پاکیزه گرداند و... (۱۵).

در اینجا اسلام برای آیین تربیتی، مرجعیتی در نظر می‌گیرد که بدون آن ویژگی اسلامی‌اش را از دست می‌دهد؛ اسلام با تحریم مفاسد اخلاقی که انسانیت انسان را از وی می‌رباید هر چه را که فضای اخلاقی - انسانی را آلوده سازد، نفی می‌کند و با بنیانگذاری بنای خانواده و نفی عواملی که غرایز

۱۳ - قصص / ۴.

۱۴ - زخرف / ۵۴.

۱۵ - جمعه / ۲.

را به سوی وادادگی یا اشباع نادرست سوق می‌دهد و ارائه منظومه همه جانبه‌ای از روابط والای اجتماعی، نفی تمامی معیارهای مادی، از جمله رنگ پوست، زبان، نژاد، قبیله، جغرافیا و... که امت را دچار تشتت و پراکندگی می‌کند و نیز با تضمین تمامی حقوق انسان در هستی و کرامت، آزادی، تأمین اجتماعی، اقتصادی، همچنین نفی عوامل ویرانسازی چون تنگ نظری، غصب، مال باطل خوری، تمرکز ثروت، اسراف، تذبذب، راه‌زنی، ستمگری، قتل و غیره، در راه فراهم آوردن امنیت اجتماعی می‌کوشد همچنانکه تلاش دارد تا با در نظر گرفتن اصل شورا، ولایت متقابل و تعمیم مسؤلیت، مشارکت سیاسی مردم را تضمین نماید؛ مسیر حرکت اسلام در این راه چنان روشن است که نیازی به توضیح بیشتر نیست.

اسلام در بعد تمدنی (و جهانی) و از خاستگاه اصول انسانی خود، در جهت تحقق امنیت و صلح عادلانه برای بشریت می‌کوشد و اگر ناگزیر به جنگ شود، تنها برای پاسخ به متجاوز و نشان دادن او بجای خویش است و در آن هم به بیگناهان آسیبی نمی‌رساند و می‌کوشد حتی به طبیعت نیز آسیبی وارد نشود.

پیامبر اکرم (علیه الصلاة و السلام) به یاران خود [هنگامی که آنان را روانه جنگ می‌کرد] توصیه می‌فرمود: «به نام خدا، برای خدا، در راه خدا و بر اساس آیین رسول خدا حرکت کنید؛ افراط نکنید، کسی را مثله نکنید، خیانت مکنید، سالمندان را مکشید، به کودکان و زنان آسیبی وارد نیاورید، درختان را - مگر زمانی که ناگزیر شوید - قطع نکنید...»^(۱۶) امنیت زیست

^{۱۶} - "کنز العمال"، جلد ۴، صفحه ۲۲۳، و "الکافی"، جلد ۵، صفحه ۲۷ و غیره.

محیطی، طبیعی و حیوانی در اسلام، تضمین شده است و قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» (در اسلام زیان دیدن و زیان رساندن روا نیست) قاعده عامی است که مسلماً شامل زیان وارد آوردن به محیط زیست هم می‌شود زیرا آسیب به محیط زیست به معنای آسیب و زیان به تمامی بشریت است بویژه اگر ضرر و زیان را به معنای عام آن تفسیر کنیم و آن را شامل هرگونه زیان مستقیم یا غیرمستقیم به فرد یا جامعه بدانیم. هرگونه آسیب به امنیت نیز به مفهوم زیان رسانی است؛ اسلام طبیعت را در اختیار انسان قرار داده و او وظیفه دارد نعمت‌های آن را سپاس گوید و کفران نعمت نکند:

﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَان تَعَدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾.

و از هرچه خواستید به شما داده است؛ و اگر نعمت خداوند را برشمارید نمی‌توانید شمارش کنید؛ بی‌گمان انسان ستمکاره‌ای بسیار ناسپاس است.^(۱۷)

حتی روابط عاطفی و دوستانه نیز می‌تواند میان مسلمان و طبیعت برقرار گردد؛ پیامبر اکرم (ص) در گذر از کوه احد می‌فرماید: «این کوه احد است که ما را دوست می‌دارد و ما نیز دوستش می‌داریم.»^(۱۸)

و عده الهی نیز چون آماجی است که همواره در اندیشه و ذهن فرد مسلمان باقی می‌ماند و در جهت نیل به آن، سخت می‌کوشد چه خداوند

۱۷ - ابراهیم / ۳۴.

۱۸ - در همه "صحاح" روایت شده است.

متعال می فرماید:

﴿وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون﴾.

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین به یقین جانشین گرداند - چنان که کسانی پیش از آنها را جانشین گردانید - و بی گمان دینی را که برای آنان پسندیده است، برای آنها استوار (جایگزین) می‌دارد و حال آنان را از پس هراس، به آرامش می‌گرداند؛ (آنان) مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌گردانند و کسانی که پس از این کفر ورزند، نافرمانند.^(۱۹)

جامعهٔ جانشین [خدا] و جامعهٔ امن و عابد، از دشمنان داخلی و خارجی در امان است و هدف پیامبران نیز همین است: "عبادت" و "امان داشتن از طاغوت!"

﴿ولقد بعثنا في كل امه رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت﴾.

و به راستی ما در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم (تا بگویند) که خداوند را بپرستید و از طاغوت دوری گزینید.^(۲۰)

حقیقت آن است که ما اگر تروریسم را با منطق عام انسانی به عنوان هر

۱۹ - نور/ ۵۵.

۲۰ - نحل / ۳۶.

کاری که به لحاظ وسیله و هدف با وجدان انسانی همخوانی ندارد و همه انواع امنیت را تهدید می‌کند، تعریف کنیم خواهیم دید که اسلام با قدرت، در برابر آن می‌ایستد و در راه ریشه‌کنی آن تلاش می‌کند. طبیعی است که خاطر نشان سازیم ما نمی‌توانیم با بقای علت‌ها، تنها به مبارزه با معلول بپردازیم و آنرا از میان برداریم.

بخش اعظم نموده‌های تروریسمی که شاهد آنیم برخاسته از عوامل فراوانی است، از جمله :

الف : گسترش جهل، تعصب‌های کور و نگاه تیره و تاریک به جهان.

ب : گسترش فقر، گرسنگی و محرومیت، که فقر را همزاد کفر دانسته‌اند.

ج : گسترش ظلم، استبداد، خشونت، قهر، سلب حقوق انسان و مصادره آزادی‌های مشروع وی.

د : نبود بازدارنده‌های معنوی، افول ارزش‌ها و گسترش منش‌های حیوانی و آزمندی‌های کور.

و تا هنگامی که برنامه‌هایی جهانی برای از میان برداشتن این عوامل یا کاستن از تأثیر آنها، در نظر گرفته نشود تروریسم بستر مناسبی برای رشد و نمو خواهد داشت.

بدتر از همه آنکه می‌بینیم کشورهای بزرگی که تاریخشان سرشار از جنگ، ویرانگری و تروریسم است، خود را در رأس قدرتهای مبارزه با تروریسم قلمداد می‌کنند و حتی در جنگ خود با تروریسم نیز بدترین نوع

تروریسم را مرتکب می‌شوند و رژیم‌های تروریستی و فاشیستی‌ای چون رژیم صهیونیستی را که به تمام معنای کلمه تروریستی است، مورد حمایت قرار می‌دهند.

این کشورها هر که را بخواهند مجازات می‌کنند، هر که را بخواهند حمایت می‌کنند، علیه هر کشور یا رژیمی ادعانامه صادر می‌کنند، خیر و شر همگان را در دست دارند و مدعی‌العموم همه بشریت، قاضی بین‌المللی و مجری احکام تحت عناوین مختلفند.

راه حل در سطح امت اسلامی

راه حل این مسایل در سطح امت، مستلزم انگشت‌گذازدن بر موارد زیر است:

یکم: بالابردن سطح آگاهی توده‌های اسلامی در عرصه‌های گوناگون از راه درک اسلام و زندگی به نام خدا و آنگاه درک واقعیت‌های موجود، مواضع جهانی و چالش‌های بین‌المللی از جمله "جهانی شدن"، "جهانی سازی" و "یورش فرهنگی".

دوم: کوشش در جهت تعمیم شریعت اسلام در همه عرصه‌های زندگی، زیرا تا زمانی که امت اسلامی به اسلام بازنگردد مشکلات همچنان گریبانگیرش خواهد بود؛ زیرا تضمین پاکی فضای عمومی جامعه و ایجاد بستر مناسب برای توسعه معنوی، از مهمترین مسایل است.

سوم: اجرای برنامه‌های تربیتی همه جانبه‌ای برای بخش‌های مختلف امت براساس آموزه‌های اسلام.

چهارم: کوشش پیگیر در راه نزدیکی اندیشه‌ها به یکدیگر و وحدت بخشیدن به مواضع عملی امت؛ زیرا اندیشه‌ها را نمی‌توان وحدت بخشید ولی می‌توان آنها را به یکدیگر نزدیک ساخت؛ قرار نیست این وحدت، خیالپردازانه باشد همچنانکه نمی‌خواهیم از سر تسلیم، حاصل آید؛ این روند باید بر پایه شیوه‌ای میانه و واقعگرا، در پرتو هدفهای از پیش تعیین شده، گسترش عقلانیت اسلامی، زبان گفتگوی منطقی و مسالمت آمیز، تحمل دیگران و نظر مخالف آنان، آزادی اجتهاد ضابطه‌مند، دور شدن از زبان تکفیر، تفسیق و تبذیع (کافر، فاسق و بدعت گذار دانستن دیگران) و امثال آن باشد.

پنجم: کوشش در راه تقویت نهادهای جهانشمول و بین‌المللی اسلامی، ایجاد نهادهای مورد نیاز و اعطای آزادی تحرک بیشتر به آنها با یاری گرفتن از سازوکارهای نو، فعال و امیدبخش. و در نظر گرفتن برنامه امنیتی - اجتماعی همه جانبه‌ای که از جمله بر پایه شالوده‌های زیر شکل گرفته باشد:

۱- وحدت مسایل امنیتی در سرتاسر جهان اسلام.

۲- پای‌بندی به " منشور اسلامی حقوق بشر ".

۳- تحکیم و تقویت بنیادهای عقیدتی به منظور شکل‌دهی به احساسات آگاهانه و اثرگذاری بر رفتارهای فردی و اجتماعی.

۴- در نظر گرفتن اصل آزادی‌های عقلانی و مسئولانه، برکنند ریشه‌های جنایت و انگیزه‌های اخلال در امنیت، کوشش در جهت پیشگیری‌های انسانی بجای سرکوب آزادی‌ها و ایجاد اختناق و محدودیت

برای مردم به بهانه حفظ امنیت.

۵ - در نظر گرفتن اصل همکاری ملت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر برای پاسداری از امنیت اجتماعی.

ششم: تدوین برنامه همه جانبه‌ای برای بهره‌گیری بهینه از امکانات سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای، جغرافیایی، مادی و نیروهای مردمی، علمی، فرهنگی و بسیج آنها در روند رویارویی [با عوامل دشمن] و تأکید بر ایجاد یک مرجعیت فرهنگی عام به منظور تعیین معیارها و ایجاد اصلاحات لازم در مسیر حرکت.

هفتم: کوشش برای ایجاد راه حل، چشم‌پوشی، تأخیر یا تعویق برخی درگیری‌های جانبی یا فرعی فکری، مذهبی، جغرافیایی، تاریخی و غیره در راه خدمت به هدف مهمتر و نیز پاسخ‌گویی به مسئله تزاخم اولویت‌ها و رعایت تقدم موارد مهمتر.

هشتم: حمایت و پشتیبانی از اقلیت‌های مسلمان - که یک سوم مجموع مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند - با تأکید بر موجودیت، وحدت و هویت آنها و نیز تقویت عرصه‌های همسویی و همجوشی میان آنها و امت اسلام به منظور بهره‌گیری آنها از حمایت امت و بهره‌مندی امت اسلامی از تخصص، خبرگی و توانایی‌های رسانه‌ای و علمی افراد این اقلیتها.

نهم: تأکید بر حمایت از مؤسسات نیکوکاری، کمک رسانی و تبلیغی و عدم رهاسازی آنها به حال خود و نیفتادن به دام اختلاف‌های فرعی، مذهبی و سیاسی و حمایت از آنها در برابر تهمت‌های خصمانه مبنی بر "حمایت از

تروریسم" و امثال آن که تعطیلی آنها را در پی دارد.

دهم: پاسداری از اصالت آموزش، استقلال مؤسسات آموزشی، تن ندادن به فشارهای خارجی به منظور ایفای نقش موردنظر به بهترین وجه و یاری گرفتن از کتاب و سنت در تدوین بنیادهای آموزشی خود با در نظر گرفتن کشفیات جدید و پیچیدگی‌های زمانه.

یازدهم: بهره‌گیری‌های هرچه بهتر از دیگر نهادها و سازمانهای بین‌المللی غیردولتی به سود مسایل عادلانه خود، آنچنانکه در "دوربان" (آفریقای جنوبی) اتفاق افتاد.

دوازدهم: ایستادگی قاطعانه و برنامه‌ریزی شده در مسایل سرنوشت ساز که مهمترین آنها مسئله فلسطین است؛ در این راستا موارد زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

- ۱- یکپارچه‌سازی تمامی کوشش‌های اسلامی برای ختشی کردن نقشه‌های اسراییل در به زانو درآوردن ملت فلسطین و پایان بخشیدن به انتفاضه قهرمان، با پشتیبانی و حمایت از ایستادگی و انتفاضه قهرمانانه و مقاومت شجاعانه ملت فلسطین.
- ۲- حرکت همه جانبه برای حمایت از آسیب دیدگان، ترمیم خرابی‌ها و مکلف ساختن هر یک از کشورهای ثروتمند برای برعهده گرفتن بخشی از هزینه‌های آن.
- ۳- تأکید بر اسلامی بودن مسئله فلسطین و بسیج همه امکانات و نیروهای اسلامی برای آن.

- ۴- ضرورت برداشتن گام‌های مؤثر و بهره‌گیری از همه امکانات قانونی و محافل بین‌المللی به منظور رسواسازی جنایات صهیونیست‌ها.
- ۵- اجازه ندادن به آمریکا برای یک تازی در این قبیل مسایل و عدم اعتماد به راه حل‌های آمریکایی.
- ۶- اندیشه جدی به بازگشت به تحریم همه جانبه رژیم غاصب صهیونیستی و حامیان آن و از آن مهمتر اجرای فوری تحریم‌های مردمی.
- ۷- فعال سازی نقش سیاسی "سازمان کنفرانس اسلامی" در این زمینه، بویژه در مطالبه اجرای قطعنامه‌های بین‌المللی و سوق دادن آن در جهت تحقق اهداف والایی که این سازمان بخاطر آن تأسیس شده است.
- ۸- تلاش بین‌المللی در راه ارائه تعریف همه جانبه‌ای از تروریسم و تفاوت آن با مقاومت مشروع تا جنبش‌های مقاومت، متهم به تروریسم نگردند.
- ۹- اعطای پوشش مشروع به مقاومت فلسطین و از آن مهمتر تلاش در بالا بردن روحیه مقاومت در میان توده‌های امت اسلامی با هدف ایجاد آمادگی‌های لازم برای رویارویی با چالش‌های خارجی و بنای آینده بهتر.
- ۱۰- کوشش در راه تحقق هر آنچه که به ریشه‌کنی تروریسم می‌انجامد؛ زیرا تروریسم معلولی است که عللی دارد و منطقی نیست که با معلول‌ها مبارزه شود و علت‌ها بحال خود رها شوند.

الخطوات المطلوبة
لتحقيق الامن الاجتماعي
على صعيد العالم الاسلامي

محمد علي التسخيري
الأمين العام للمجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية

بسم الله الرحمن الرحيم

من الواضح لدى كل دارس للاسلام، أنه حدد الهدف من خلقه كل المخلوقات، وهو كمالها اي تحول طاقتها الذاتية الكامنة بالقوة الى ظواهر فعلية، بل ان هذا هو ما يدرسه الوجدان الفطري حينما يلاحظ التخطيط الإلهي لهذا الكون والتنسيق والهدفية في الخلق.

وبالنسبة للإنسان يحدد القرآن هدف خلخته بوضوح اكبر حين يعلن (وما خلقت الجن والإنس إلا ليعبدون)^(٢١)، مما يوضح ان تكامل الانسان يتم كلما تأصلت صفة العبودية لله تعالى فيه كفرد، وأوج كمال الفرد يتمثل في النبي، وأرقى صفة تمنح للنبي انه (نعم العبد).

يقول تعالى: (ووهبنا لداوود سليمان نعم العبد انه اواب).^(٢٢)

وحيث يشهد المؤمن لرسول الله سيد البشرية بالرسالة يقدم العبودية أولاً فيقول: (اشهد ان محمداً عبده ورسوله) وينعكس هذا على الانسان كمجتمع حيث يعمل عباد الله الصالحون وطلبتهم هم الانبياء على اقامة المجتمع العابد.

(ولقد بعثنا في كل امة رسولاً ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت)^(٢٣). هكذا اذن تكون المسيرة الصحيحة المتوازنة المتكاملة للبشرية ضمن خطين. خط العبادة وخط اجتناب الطاغوت، وهما الناتجان الأساسيان من حالة العبودية المطلقة لله تعالى.

(٢١) الذاريات آية ٥٦.

(٢٢) ص: ٣٠.

(٢٣) النحل: ٣٦.

فنحن هنا نواجه تفصيلاً وتوضيحاً أكبر للعبودية يتمثل في (العبادة) و(رفض الطاغوت).

ولكن ماذا يعنينا؟

إن العبادة في مفهومنا الاسلامي باختصار تعني تعبيد الحياة لله (تعالى) وتنفيذ اوامره ونواهيته.

(يا أيها الذين آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم)^(٢٤)

وهذا المعنى يشمل العبادة بالمعنى الأخص كالصلاة والصيام، ولا يلخص الحياة فيها بل تتحول الحياة كلها الى مسجد وصلاة وهو المعنى الاعم للعبادة.

أما الطاغوت: فهو باختصار المتجاوز للحد الوسط في تصور الاسلام، المتعدي عليه، والطغيان هو تجاوز الحد كما يقول الراغب^(٢٥) ولذا قال تعالى: (انا لما طغى الماء حملناكم في الجارية).^(٢٦)

والوسطية الاسلامية تعني: العدل، والتوازن، والحكمة ووضع الشيء في موضعه بما يحقق الهدف منه، وليس المقياس الكمي، وإذا كانت الأمة الاسلامية هي الأمة الوسط (وكذلك جعلناكم امة وسطاً)^(٢٧)، فإنما لأنها الأمة القدوة والأسوة الحضارية للأمم بعد أن تقتدي بالرسول الأسوة.

وإذا راجعنا كل المفاهيم التي ينفر منها الاسلام وجدناها تخرج عن الحد الوسط بهذا المعنى: مفاهيم: الاحاد والشرك والفاحشة والتهور والتشدد والاستبداد والعنف والطغيان والتبذير والتطفيف وبخس الآخرين والاسراف وامثالها بل حتى المفاهيم السلبية كالرهينة

(٢٤) الأنفال: ٢٤.

(٢٥) مفردات الراغب، ص ٣٠٥.

(٢٦) الحاقة: ١١.

(٢٧) البقرة: ١٤٣.

والبخل والجبن واللامسؤولية، والتحلل هي نوع من أنواع عدم الالتزام بالحد الشرعي افراطاً او تفريطاً.

فالمعيار هو الحد الإنساني الذي ارتضاه الله تعالى، وربما ادركناه بوجودنا لوضوحه كالطيبات والخبائث، ولكن المنظار الإلهي يعطينا صورة كاملة عن الحد الوسط او فلنعبر بالحد الطبيعي الذي يعني الخروج عنه خروجاً عن الذات ونسيانها، وهنا يأتي هذا التعبير الإلهي الجميل (نسوا الله فأنساهم أنفسهم أولئك هم الفاسقون)^(٢٨)، تماماً كما تفسق النواة حين تخرج عن موقعها الطبيعي فتسميها العرب نواة فاسقة.

والامن البشري على مدى التاريخ مهدد من قبل الطغاة والفاسقين. ذلك اننا لو نظرنا من عل الى كل اثار الدماء والدموع والاعتداء على النسل والحرب والعقل والانسانية فإننا بكل سهولة نستطيع ان نرجعها الى مظهرين من مظاهر الطغيان هما: كما يعبر الشهيد الصدر:

مشكلة الضياع واللائتماء، ومشكلة الغلو في الائتماء بتحويل الحقائق النسبية الى مطلقات، والتعبير الإسلامي عنهما هو (الاحاد) و(الشرك)، وهما يلتقيان في نقطة واحدة اساسية هي (إعاقة حركة الانسان في تطوره عن الاستمرار المبدع الصالح)^(٢٩) اما العلاج فهو الايمان بالله الواحد والمسؤولية تجاهه.

ان اللايمان او الايمان بالوثنية هما حالتا طغيان او فلنعبر هما سببان عظيمان للطغيان فيما أن تنتفي المسؤولية في حالة اللاإتتماء أو تتضخم الصورة الوثنية للذات او للحجر او للحاكم او للاسطورة او للمنصب او للمال او للقوة او للشهوة — وكلها امور نسبية يحولها الجهل الى امور مطلقة — وحينئذ يكون الدمار، ويكون التهديد العظيم للامن الانساني بشتى انواعه.

(٢٨) الحشر: ١٩.

(٢٩) الفتاوى الواضحة، ص ٥٩٥.

اننا نستطيع ان نتصور انماطاً شتى من الأمن للانسان فهناك (الامن الفكري والاجتماعي، والاخلاقي الانساني والعائلي والصحي والبيئي والسياسي والاقتصادي وغير ذلك).

والطغيان وتجاوز الحد والافراط والتطرف يهدد هذه الانواع جميعاً.

ونحن نعلم ان فرعون يمثل نموذج الطغيان في النصوص القرآنية (اذهبا الى فرعون انه طغى)^(٣٠)، (وان فرعون لعال في الارض وانه لمن المسرفين)^(٣١)، فحتى الايمان يحتاج الى إذن منه (قال فرعون آمنتم له قبل ان آذن لكم)^(٣٢)، وكان فرعون رمز التهديد للوجود الشعبي والنسل والخلق، يقول تعالى: (إن فرعون علا في الأرض وجعل أهلها شيعاً يستضعف طائفة منهم يذبح أبناءهم ويستحيي نساءهم انه كان من المفسدين).^(٣٣)

وكان رمز الاستخفاف بالامة (فاستخف قومه فأطاعوه انهم كانوا قوماً فاسقين).^(٣٤)

وربما كان من نافلة القول بعد هذا ان نتحدث عن دور الاسلام في تحقيق الامن للانسان بشتى انواعه بعد أن عرفنا رفضه لكل الاساليب الطاغوتية الفرعونية جملة وتفصيلاً.

فهو يعمل على توفير الأمن الأخلاقي من خلال نظامه الأخلاقي والتربوي (هو الذي بعث في الأميين رسولاً منهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم)^(٣٥) فهو يعين هنا مرجعية النظام التربوي وبدونها يفقد صبغته وهو ينفي كل ما يلوث الجو الانساني الخلقي عبر تحريمه

(٣٠) طه : ٤٣ .

(٣١) يونس : ٨٣ .

(٣٢) الاعراف : ١٢٣ .

(٣٣) القصص : ٤ .

(٣٤) الزخرف : ٥٤ .

(٣٥) الجمعة : ٢ .

المفاسد الخلقية التي تميمت انسانية الانسان.

كما يعمل على توفير الأمن الاجتماعي من خلال اقامة البناء العائلي ونفي كل ما يوجه الغرائز نحو التحلل او الاشباع الخاطيء، ومن خلال تقديمه نظاماً للعلاقات الاجتماعية المتعالية، وفيه كل ما يمزق الأمة من مقاييس مادية، كاللون واللغة والعنصر والقبلية والجغرافيا وغيرها، وكذلك من خلال ضمانه لكل حقوق الانسان في الوجود والكرامة والحرية والضمان الاجتماعي والاقتصادي، ورفضه كل عوامل التهدم كالبخل والغضب واكل المال بالباطل وتمركز الثروة والاسراف والتبذير والحراة والبغي والقتل وغيرها، وكلها تتعاون لتحقيق الهدف، كما يعمل على ضمان المشاركة الشعبية السياسية من خلال مبدأ الشورى ومبدأ الولاية المتبادلة وتعميم المسؤولية ولا نريد ان نستمر في هذا العرض وهو واضح صريح.

إن الاسلام يعمل على المستوى الحضاري لتحقيق الامن والسلام العادل للبشرية منطلقاً من مبادئه الانسانية، وحتى لو اضطر للحرب فإنه يشنها حرباً نظيفة لا رد فيها إلا على المعتدي أما الاربياء فلا ينالهم شيء بل وحتى الطبيعة تبقى آمنة سليمة.

يوصي الرسول عليه الصلاة والسلام وعلى آله وصحبه، اصحابه فيقول (سيروا باسم الله وبالله وفي سبيل الله، وعلى ملة رسول الله، لا تغلو ولا تملوا، ولا تغدروا، ولا تقتلوا شيخاً فانياً، ولا صبياً ولا امرأة، ولا تقطعوا شجراً الا أن تضطروا اليها...)^(٣٦).

ان الأمن البيئي والطبيعي والحيواني مضمون اسلامياً وان قاعدة (لا ضرر ولا ضرار في الاسلام) قاعدة عامة تمتع الاضرار بالبيئة بلا ريب، لانه اضرار بكل البشرية، خصوصاً اذا فسرنا الضرر بمعناه الواسع مما يشمل المنع من كل اضرار بالفرد او المجتمع مباشرة او بشكل غير مباشر. وكل حرق للامن يعد اضراراً وان الاسلام يجعل الطبيعة مسخرة للانسان نفسه فعليه ان يشكر نعمتها ولا يكفر بها، (وأتاكم من كل ما سألتموه وان

(٣٦) كتر العمال، ج٤، ص٢٢٣، والكافي، ج٥ ص ٢٧، وغيرها.

تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الانسان لظلم كفار).^(٣٧)

وحق علاقات الحب والعواطف قد تقوم بين المسلم والطبيعة، فيمر الرسول الكريم
(ص) على جبل أحد، فيقول: (هذا جبل احد يحبنا ونحبه).^(٣٨)

ويبقى الوعد الإلهي قائماً في خلد المسلم هدفاً يسعى اليه حثيثاً، إذ يقول تعالى: (وعد
الله الذين آمنوا وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم
وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم امناً يعبدونني لا يشركون
بي شيئاً ومن كفر بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون).^(٣٩)

انه المجتمع الخليفة الآمن العابد، الآمن من العدو الخارجي والداخلي، وانه هدف
الأنبياء وقد تحقق: عبادةً وأمناً من الطاغوت. (ولقد بعثنا في كل امة رسولاً ان اعبدوا الله
واجتنبوا الطاغوت).^(٤٠)

والحقيقة اننا إذا فسرنا الارهاب بالمنطق الانساني العام بأنه (كل عمل لا ينسجم مع
الوجدان الانساني من حيث الوسيلة او الهدف ويهدد الأمن بشئ انواعه) فسنجد ان
الاسلام يقف بقوة ضده بل ويعمل على اجتثاث جذوره من الاساس.

ومن الطبيعي ان نقول هنا اننا لا نستطيع ان نقضي على المعلول مع الابقاء على
العلل.

إن معظم ما نشاهده من مظاهر الارهاب يعود الى عوامل كثيرة منها:

أ — انتشار الجهل وروح التعصب الأعمى والنظرة الظلامية للعالم.

ب — انتشار الفقر والجوع والحرمان، وكاد الفقر ان يكون كفراً.

(٣٧) ابراهيم: ٣٤.

(٣٨) روته الصحاح.

(٣٩) النور: ٥٥.

(٤٠) النحل: ٣٦.

ج — انتشار الظلم والاستبداد والقهر والعنف وسلب حقوق الانسان ومصادرة حرياته المشروعة.

د — فقدان الوازع المعنوي وتدني المستويات القيمية وانتشار الروح الحيوانية الجشعة العمياء.

فما لم توضع الخطط العالمية المخلصة للقضاء على هذه العلل او التخفيف من وطأها فإنها سوف تظل تزرع الارهاب.

والأنكى من كل ذلك ان نجد الدول العظمى التي ارتبط تاريخها بالحروب والدمار والارهاب على رأس قائمة محاربه وهي حتى في حربها المفروضة ضد الارهاب ترتكب ايشع انواع الارهاب وتدعم نظاماً اراهيبياً فاشية مثل النظام الصهيوني الارهابي بكل ما في هذه الكلمة من معنى.

فهي تعاقب من تشاء، وتدعم من تشاء، وتدعي على من تشاء، وتدخل من تشاء في خاتمة الشر او الخير، فهي النائب العام عن البشرية وهي القاضي الدولي، وهي المنفذ تحت اسماء عديدة.

الحل على مستوى الأمة الإسلامية

إن الحل على مستوى الأمة يجب ان يتركز على مايلي:

أولاً: رفع مستوى الوعي لدى جماهير امتنا في مختلف المجالات عبر فهم الإسلام وقراءة الحياة باسم الله، ثم فهم الواقع القائم، و الموقف العالمي والتحديات الدولية من امثال العولمة والعلمنة والهجوم الثقافي.

ثانياً: العمل على تعميم تطبيق الشريعة الإسلامية في كل الشؤون الحياتية فما لم نعد الى الاسلام فان المشاكل سوف تظل تحاصرنا. وإن من أهم الامور ضمان نظافة الجو العام للمجتمع مما يهيء مجالاً مناسباً للتنمية المعنوية.

ثالثاً: تطبيق عملية تربية شاملة لمختلف قطاعات الأمة وفق تعاليم الإسلام.

وابعاً: العمل بكل ما من شأنه التقريب في الفكر، لأن الافكار لايمكن توحيدها، وتوحيد موقف الأمة عملياً. ولا نريد لهذا التوحيد ان يكون خيالياً، كما لا نريده ان يكون استسلامياً ، بل يجب أن يتبع المنهج الوسطي الواقعي على ضوء الأهداف المرسومة. واشاعة العقلانية الاسلامية، ولغة الحوار المنطقي السلمي، وتحمل التعددية والرأي المخالف، وحرية الاجتهاد بضوابطه، والابتعاد عن لغة التكفير والتفسيق والتبديع وامثال ذلك.

خامساً: العمل على تقوية المؤسسات الشمولية الدولية الإسلامية ويجاد مايلزم ايجاده، ومنحها حرية أكبر في التحرك عبر آليات جديدة وفاعلة وواعدة.

واعتماد خطة أمنية اجتماعية شاملة - تبتني - من جملة ما تبتني عليه - على ما يلي: -

١- وحدة قضايا الامن في كل ارجاء العالم الاسلامي.

٢- الالتزام باللائحة الاسلامية لحقوق الانسان.

٣- ضرورة تقوية الاسس العقائدية لتقوم بصياغة العواطف الواعية لتترك أثرها على السلوك الفردي والاجتماعي.

٤- اعتماد مبدأ الحرية العقلانية المسؤولة، واقتلاع جذور الجريمة، ودوافع الاحلال بالامن، ثم العمل على الردع الانساني بدلاً من كبت الحريات وخنق المطالبات بحجة الحفاظ على الامن.

٥- اعتماد مبدأ تعاون الشعوب والحكومات للحفاظ على الامن الاجتماعي.

سادساً: وضع خطة شاملة للاستفادة الأفضل من الامكانيات السياسية والاقتصادية والاعلامية والجغرافية والمادية والطاقات الجماهيرية والعلمية والثقافية وتعبئتها في عملية المواجهة. والتأكيد على ايجاد مرجعية ثقافية عامة تحدد المعايير وتضبط المسيرة.

سابعاً: العمل على حل، او تغافل او تأجيل بعض النزاعات الجانبيّة او الثانويّة، الفكرية والمذهبية والمصلحية والجغرافية والتاريخية وغيرها خدمة للهدف الأهم واستجابة لقضية التزاحم في الأولويات، وتقديم الأهم على المهم.

ثامناً: الشد من ازر الأقليات المسلمة – وتبلغ حوالي ثلث مجموع المسلمين في العالم – بالتأكيد على وجودها أولاً ووحدها ثانياً وهويتها ثالثاً، وتقوية مجالات التلاحم بينها وبين الأمة الأم فهي تستفيد من دعم الامة، والأمة تستفيد من خبراتها، وقدراتها الاعلامية والعلمية وغيرها.

تاسعاً: التركيز على دعم مؤسساتنا الخيرية ومؤسسات الاغاثة والدعوة، وعدم تركها في مهب الريح وعدم انزلاقها في مداخل الخلافات الجانبيّة والمذهبية والسياسية وحمائيتها من الاتهامات المعادية بدعم الارهاب وامثاله مما يؤدي الى اغلاقها.

عاشراً: الاحتفاظ بأصالة التعليم واستقلالية المؤسسات التعليمية وعدم الخضوع للضغوط الخارجية لتؤدي دورها المطلوب على وجه أتم ويتم ذلك عبر استمداد اصولنا التعليمية من الكتاب والسنة مع مراعاة مكتشفات العصر وتعقيدات الواقع.

حادي عشر: الاستفادة الأفضل من المؤسسات والمنظمات الدولية الأخرى غير الحكومية لصالح قضايانا العادلة كما حدث في (دوربان) بأفريقيا الجنوبية.

ثاني عشر: الوقوف بحزم وتخطيط في قضايانا المصيرية واهمها قضية فلسطين. وفي هذا المجال نقترح:

١. تظافر كل الجهود الإسلامية لافشال خطط اسرائيل لتكريع الشعب الفلسطيني وانهاء الانتفاضة الباسلة بدعم صموده وانتفاضته الباسلة ومقاومته الشجاعة.

٢. القيام بحملة لدعم المنكوبين وترميم الخراب وتكليف كل دولة غنية بسد جانب منه.

٣. ضرورة التأكيد على كون القضية الفلسطينية إسلامية وتعبئة كل الطاقات

الإسلامية لذلك.

٤. ضرورة اتخاذ كل الخطوات والاستفادة من كل الامكانيات القانونية والمحافل الدولية لفرض جرائم الصهيونية.

٥. عدم السماح لأمريكا للاستفراد بالقضية وأمثالها، وعدم الاعتماد على الحلول الأميركية.

٦. لزوم التفكير الجدي للعودة لنظام المقاطعة الشاملة للكيان الصهيوني الغاصب ومن يدعمه بل وتنفيذ المقاطعة الشعبية فوراً.

٧. لزوم تفعيل الدور السياسي لمنظمة المؤتمر الإسلامي في هذا المجال خصوصاً في مجال المطالبة بتنفيذ القرارات الدولية ودفعها لتحقيق الاهداف السامية التي انشئت لأجلها.

٨. لزوم العمل دولياً على وضع تعريف شامل للارهاب والتفريق بينه وبين المقاومة المشروعة. لئلا تتهم حركات المقاومة بتهمة الارهاب.

٩. ضرورة اعطاء الغطاء الشرعي للمقاومة الفلسطينية. بل والعمل على رفع روح المقاومة لدى جماهير الامة بهدف ايجاد الاستعداد اللازم لمواجهة التحديات الخارجية وصنع المستقبل الامثل.

١٠. السعي لتحقيق كل ما من شأنه اجتثاث الارهاب من جذوره، فان الارهاب معلول له علل، وليس من الحكمة محاربة المعاليل وابقاء العلل على حالها.